عنوان:

حب دنیا

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | t-242 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/رذائل و فضائل/رذائل/سطح شناخت |
| برچسب | تزکیه، تربیت نفس، رذائل، حب، حب دنیا، امام خمینی |
| توضیحات |  |

بالسّند المتّصل إلى محمّد بن يعقوب، عن محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد، عن ابن محبوب، عن عبد اللّه بن سنان و عبد العزيز العبدي، عن عبد اللّه بن أبي يعفور، عن أبي عبد اللّه، عليه السلام، قال: من أصبح و أمسى و الدّنيا أكبر همّه، جعل اللّه الفقر بين عينيه و شتّت أمره، و لم ينل من الدّنيا إلاّ ما قسم له. و من أصبح و أمسى و الآخرة أكبر همّه، جعل اللّه الغنى في قلبه و جمع له أمره.[[1]](#footnote-1) ترجمه ابن ابى يعفور گويد كه حضرت صادق، عليه السّلام، گفت: «كسى كه صبح كند و شام كند و حال اينكه دنيا بزرگترين همّ او باشد، قرار دهد خدا فقر را بين دو چشمش، و درهم كند كار او را، برخوردار نگردد از دنيا مگر آنچه قسمت شده است براى او. و كسى كه صبح و شام كند در صورتى كه آخرت بزرگترين همّ او باشد، قرار دهد خدا بى‏نيازى را در دل او، و گرد آورد براى او كار او را.» شرح بدان كه از براى «دنيا» و «آخرت» اطلاقاتى است به حسب انظار ارباب علوم.

و ميزان معارف و علوم آنها، كه بحث از حقيقت آن به حسب اصطلاح علمى مهم به امر ما نيست، و صرف همت در فهم اصطلاحات و رد و قبول و جرح و تعديل باز دارد پياده را ز سبيل.[[2]](#footnote-2) آنچه در اين باب مهم است فهم دنياى مذمومه است كه انسان طالب آخرت اگر بخواهد از آن احتراز كند، با خبرت احتراز نمايد. و آنچه اعانت كند انسان را در اين سلوك راه نجات، و ما آن را ان شاء اللّه در ضمن چند فصل بيان مى‏كنيم. و از خداى تعالى توفيق مى‏طلبيم در سلوك اين طريق.

**بيان كلام مولانا مجلسى (ره) در حقيقت دنياى مذمومه‏**

جناب محقق خبير و محدث بي نظير، مولانا مجلسى،[[3]](#footnote-3) عليه الرحمة، مى‏فرمايد: بدان آنچه از مجموع آيات و اخبار ظاهر مى‏شود به حسب فهم ما، اين است كه دنياى مذمومه مركب است از يك امورى كه انسان را باز دارد از طاعت خدا و دوستى او و تحصيل آخرت. پس دنيا و آخرت با هم متقابل‏اند. هر چه باعث رضاى خداى سبحان و قرب او شود، از آخرت است اگر چه به حسب ظاهر از دنيا باشد، مثل تجارات و زراعات و صناعاتى كه مقصود از آنها معيشت عيال باشد براى اطاعت امر خدا، و صرف كردن آنها در مصارف خيريه و اعانت كردن به محتاجان و صدقات و باز ايستادن از سؤال از مردم، و غير آن، و اين‏ها همه از آخرت است گر چه مردم آن را از دنيا دانند. و رياضات مبتدعه و اعمال ريائيه، گرچه با تزهد و انواع مشقت باشد، از دنياست، زيرا كه باعث دورى از خدا شود و قرب به سوى او نياورد، مثل اعمال كفار و مخالفان. انتهى.[[4]](#footnote-4) و از يكى از محققان نقل فرمايد كه دنيا و آخرت تو عبارت است از دو حالت از حالات قلب تو: آنچه نزديك است و قبل از مردن، نامش دنياست. و آنچه بعد از اين آيد و پس از مردن است، نامش آخرت است. پس آنچه از براى تو در آن حظ و نصيب و شهوت و لذت است قبل از موت، آن دنياست در حق تو.[[5]](#footnote-5) فقير گويد كه مى‏توان گفت كه دنيا گاهى گفته مى‏شود به نشئه نازله وجود كه دار تصرم و تغيير و مجاز است، و آخرت به رجوع از اين نشئه به ملكوت و باطن خود كه دار ثبوت و خلود و قرار است. و اين نشئه از براى هر نفسى از نفوس و شخصى از اشخاص متحقق است. بالجمله، از براى هر موجودى مقام ظهور و ملك و شهودى است، و آن مرتبه نازله دنياويه آن است، و مقام بطون و ملكوت و غيبى است، و آن نشئه صاعده اخرويه آن است. و اين نشئه نازله دنياويه گرچه خود بذاته ناقص و اخيره مراتب وجود است ولى چون مهد تربيت نفوس قدسيه و دار التحصيل مقامات عاليه و مزرعه آخرت است، از احسن مشاهد وجوديه و اعز نشآت و مغتنمترين عوالم است پيش اوليا و اهل سلوك آخرت. و اگر اين مواد ملكيه و تغييرات و حركات جوهريه طبيعيه و اراديه نبود و خداى تعالى مسلط نكرده بود بر اين نشئه تبدلات و تصرمات را، احدى از نفوس ناقصه به حد كمال موعود خود و دار قرار و ثبات خود نمى‏رسيد، و نقص كلى در ملك و ملكوت وارد مى‏شد. و آنچه در لسان قرآن و احاديث وارد شده از مذمت اين عالم در حقيقت به خود او رجوع نمى‏كند، به حسب نوع و اكثريت، بلكه به توجه به آن به علاقه قلبيه و محبت به آن رجوع مى‏كند.

پس، معلوم شد كه از براى انسان دو دنياست:

يكى ممدوح و يكى مذموم.

آنچه ممدوح است، حصول در اين نشئه كه دار التربية و دار التحصيل و محل تجارت مقامات و اكتساب كمالات و تهيه زندگانى سعادتمند ابدى است كه بدون ورود در اينجا امكان پذير نيست. چنانچه حضرت مولى الموحدين و امير المؤمنين، صلوات اللّه عليه، در يكى از خطبه‏هاى خود مى‏فرمايد- پس از آنكه شنيد از يك نفر كه ذم دنيا مى‏كند-:

إنّ الدّنيا دار صدق لمن صدقها، و دار عافية لمن فهم عنها، و دار غنى لمن تزوّد منها، و دار موعظة لمن اتّعظ بها، مسجد أحبّاء اللّه و مصلّى ملائكة اللّه و مهبط وحى اللّه و متجر أولياء اللّه. اكتسبوا فيها الرّحمة و ربحوا فيها الجنّة ... [[6]](#footnote-6)

و قول خداى تعالى: و لنعم دار المتّقين.[[7]](#footnote-7) به حسب روايت عيّاشى[[8]](#footnote-8) از حضرت باقر، عليه السلام، تفسير به «دنيا» شده است.[[9]](#footnote-9) پس، عالم ملك، كه مظهر جمال و جلال است و حضرت شهادت مطلقه است، به يك معنى مذمتى ندارد، و آنچه مذموم است دنياى خود انسان است، به معنى وجهه قلب به طبيعت و دلبستگى و محبت آن است كه آن منشأ تمام مفاسد و خطاهاى قلبى و قالبى است.

چنانچه در كافى شريف از جناب صادق، عليه السلام، حديث مى‏كند: قال، عليه السّلام: رأس كلّ خطيئة حبّ الدّنيا.[[10]](#footnote-10)

و عن أبي جعفر، عليه السّلام: ما ذئبان ضاريان في غنم ليس لها راع، هذا في أوّلها و هذا في آخرها، بأسرع فيها من حبّ المال و الشّرف في دين المؤمن.[[11]](#footnote-11)

پس، تعلق قلب و محبت دنيا عبارت از دنياى مذموم است، و هر چه دلبستگى به آن زيادتر باشد، حجاب بين انسان و دار كرامت او و پرده ما بين قلب و حق بيشتر و غليظتر شود. و آنچه در بعضى از احاديث شريفه است كه از براى خدا هفتاد هزار حجاب است از نور و ظل[[12]](#footnote-12)، «حجابهاى ظلمانى» تواند همين تعلقات قلبيه باشد به دنيا. و هر قدر تعلقات بيشتر باشد، حجابها زيادتر است. و هر چه تعلق شديدتر باشد، حجاب غليظتر و خرق آن مشكلتر است.

امام خمینی(ره)، چهل حديث(اربعين حديث)، ص: 119

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

1. اصول كافى، ج 2، ص 319،« كتاب ايمان و كفر»،« باب حب الدنيا»، حديث 15. [↑](#footnote-ref-1)
2. 2 خواب نوشين بامداد رحيل ‏ باز دارد پياده را ز سبيل [↑](#footnote-ref-2)
3. حديث 1، پاورقى 14. [↑](#footnote-ref-3)
4. بحار الانوار، ج 70، ص 63،« كتاب ايمان و كفر»،« باب حب دنيا و ذمها». مرآة العقول، ج 8، ص 263،« كتاب ايمان و كفر»،«باب ذم دنيا و زهد فيها». [↑](#footnote-ref-4)
5. مرآة العقول، ج 10، ص 264،« كتاب ايمان و كفر»،« باب حب دنيا». [↑](#footnote-ref-5)
6. «همانا دنيا سراى راستى است براى آنكه با آن از در راستى درآيد، و سراى درستى است براى آنكه آن را دريابد، و سراى بى‏نيازى است براى آنكه از آن توشه برگيرد، و سراى پند است براى آنكه از آن پند گيرد. دنيا سجده‏گاه دوستداران خدا، و نماز خانه فرشتگان خدا، و جاى فرود وحى خدا و بازار ياران خدا است كه در آن رحمت را به دست آورند و بهشت را سود برند.» نهج البلاغه فيض الاسلام، ص 1138 «حكمت» 126. [↑](#footnote-ref-6)
7. «چه نيكو است جايگاه پرهيزگاران.» (نحل- 30). [↑](#footnote-ref-7)
8. ابو نصر محمد بن مسعود بن محمد بن عيّاشى تميمى از بزرگان علماى شيعه و از استوانه‏هاى حديث و تفسير روايى در اواخر قرن سوم هجرى است. محدّثين بزرگى چون شيخ كشّى صاحب رجال و شيخ جعفر بن محمد عياشى فرزندش از او روايت كرده‏اند. آثار بسيارى دارد، شيخ طوسى آثار او را افزون از 200 شمرده است، از آثار اوست: كتاب التفسير، كتاب الصّلاة، كتاب الطب، كتاب معرفة الناقلين، كتاب الغيبة. [↑](#footnote-ref-8)
9. عن ابن مسكان، عن أبي جعفر، عليه السلام، فى قوله: و لنعم دار المتقين، قال: الدنيا، تفسير عياشى، ج 2، ص 258. [↑](#footnote-ref-9)
10. «دنيا دوستى منشأ هر گناه است.» اصول كافى ج 2، ص 315، «كتاب ايمان و كفر»، «باب حب الدنيا و الحرص عليها»، حديث 1. [↑](#footnote-ref-10)
11. حديث 1 پاورقى 56. [↑](#footnote-ref-11)
12. عن النبى (ص) انّ للّه تبارك و تعالى سبعين ألف حجاب من نور و ظلمة. بحار الانوار ج 55 ص 45 «كتاب السماء و العالم باب 5»، ذيل حديث 13. [↑](#footnote-ref-12)